

مقدمه

برخی ادیان، از جمله ادیان اقوام ابتدایی، دارای تاریخ روشنی نیستند و حتی خودشان ممکن است از اینکه دارای بعد و منشأ دینی باشند، اطلاع چندانی نداشته باشند. دین پژوهانی که به مطالعه این ادیان می‌پردازند، این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا در میان این انسان‌های بدوی، دین وجود دارد یا نه؟ اما به مرور زمان و با پیدایش عقاید دینی و تکامل یافته در این ادیان، پرسش آنها به پاسخ‌های روشنی تبدیل شده است. یکی از راه‌های مطالعه این جوامع، بررسی‌های قوم‌نگاری و انسان‌شناسی (در مورد توجه انسان‌شناسان به مطالعه ادیان ابتدایی ر.ک: پریچارد، ۱۹۶۲، ص ۹۸) است. این نوع مطالعه، سهم عمده‌ای در بررسی مسائل دینی، به‌ویژه درباره منشأ دین و کارکرد آن در این ادیان ایفا می‌کند. الهیات یکی از مفاهیمی است که با مفهوم دین گره خورده است. هر دین پژوهی باید به آن توجه داشته باشد. در این میان، مطالعه ادیان ابتدایی، به‌ویژه در قاره آفریقا توجه انسان‌شناسان را به خود جلب کرده است. درباره منشأ دینی اعتقاد به خدا در مذاهب سنتی آفریقا، سه نظریه وجود دارد:

۱. مشاهده عظمت و گستردگی عالم که موجب شده این جوامع بدوی تصور کنند که یک قادر مطلق، این عظمت و شکوه را پدید آورده است.
۲. وجود پدیده‌های طبیعی مثل روز و شب، رعد و برق، طوفان و غیره که موجب شده ذهن انسان بدوی به نشانه‌های قدرت خداوند پی ببرد.
۳. ناتوانی آنها در کنترل حوادثی مثل مرگ، بلایا، طوفان‌ها و ...

طبق این نظریه همه این عوامل موجب شد تا آفریقایی‌ها برای در امان ماندن از شر این بلایا، به قربانی و نیایش روی آورند و با دیدن عظمت جهان و یا از روی ترس، به یک وجود متعالی به نام «خداوند» اذعان کنند. متأسفانه دیدگاه فوق، که یک دیدگاه رایج غربی از دین است، اهمیت ادیان الهی همچون دین اسلام و تعالیم آن را در قاره آفریقا نادیده گرفته، و از مسئله حضور فطری خدا در بشر غفلت کرده است. یکی از این جوامع بدوی، که پیدایش مفاهیم تکاملی و مثبت در آن موجب شد که اوانس پریچارد به مطالعه دقیق آن بپردازد، آیینی در آفریقا با نام نوئر است که گرچه به عنوان یک دین ابتدایی خوانده می‌شود، اما دارای آداب و شعائری مثل اعتقاد به خدا، گناه، قربانی، نیایش و غیره است. این مفاهیم، پیچیدگی‌های خاص و منحصر به فرد بودن این دین را نشان می‌دهد. درک، توصیف و تشریح این نظام الهیاتی پیچیده، موجب تحسین پریچارد در جامعه غربی شده و او را به عنوان یک انسان‌شناس برجسته معرفی کرده است. در واقع پریچارد، راهی را پیموده که بسیاری از ملحدان غربی

مفهوم خدا در دین نوئر

gelmi@ut.ac.ir

Hosseinomidi2015@yahoo.com

کعبه قربان علمی / دانشیار ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه تهران

حسین امید / دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان شیراز

دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۰۵ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۸

چکیده

این تحقیق با روش تحلیلی و نظری به توصیف، تحلیل و نقد داده‌های مربوط به دین نوئر در حوزه خداشناسی می‌پردازد. هدف این است که با استفاده از مطالعات انسان‌شناختی اوانس پریچارد، ضمن بررسی مفهوم، کارکرد و صفات خدا، اعتقاد به خدای فطری و ذاتی را در دین ابتدایی نوئر اثبات کند. در گذشته، بسیاری مفهوم خدا را در ادیان اندیشه‌ای خرافی، وهم‌آور و از روی ترس دانسته‌اند. اما پریچارد، با طرح الهیات فطری در دین نوئر و مقایسه آن با ادیان متمدن، نشان داد که مفهوم «الهیات» در ادیان امری موهوم نیست. براساس یافته‌های پریچارد، الهیات نوئر الهیاتی پیچیده، منحصر به فرد و همسان با ادیان متکامل و متمدن است که با زندگی دینی نوئر‌ها گره خورده است. بر این اساس، خدای نوئر، خدایی اخلاقی است که دارای صفاتی به مانند دلسوز، آفریننده، خالق سنت‌ها و رسوم، بینا، شنو، حافظ، دوست و پدر انسان‌ها، قادر مطلق، همه‌جاحاضر، عطابخش و گیرنده حیات است که وجود آن در عرش آسمان و در قالب روحی آسمانی با نام «کتوت» است.

کلیدواژه‌ها: دین نوئر، مفهوم خدا، صفات خدا، کارکرد خدا.

از درک آن غافلند؛ زیرا آنان انگیزه‌های دینی را امری خرافی می‌دانند. وی با مطالعه دین نوثر، ضمن نفی این نظریات، معتقد است که انگیزه‌های خداشناسی و دینی در فطرت بشر اولیه جای دارد. وی با نگاهی منصفانه از دین، شعار بازگشت به دین و فطرت انسانی را مطرح کرد. نظر به این‌گونه مطالعه از سوی پریچارد، این نوشتار سعی دارد، ضمن بررسی الهیات این دین، به چند پرسش اساسی در این زمینه پاسخ دهد:

۱. آیا در این دین، مفهوم «خدا» به معنی متکامل آن که در ادیان بزرگ مطرح است، وجود دارد یا نه؟
۲. کارکردها و صفات این خدا، در ارتباط با افراد این دین چگونه است؟

پیشینه تحقیق

دکتر چایک /کوپارا/ (ch, Ekeopara) در مقاله‌ای تحت عنوان «خدا، الوهیت و ارواح در آفریقا»، بر وجود یک قدرت متعالی با نام «خدا» در مذاهب سنتی آفریقا مثل آیین نوثر تأکید می‌کند (اکوپارا، ۲۰۱۰، ص ۲۰۹). پیش از پریچارد، جان کالون با بیان نظریه حس الوهی، بشر را به طور فطری دارای یک حس و گرایش نسبت به خدا دانسته است. وی معتقد است: این حس چنان در قلب بشر ریشه دارد که ریشه‌کن‌شدنی نیست. انسان بدون شناخت خدا، نمی‌تواند خود را بشناسد؛ زیرا با دیدن خدا، که سرچشمه همه کمالات است، به نقص و تباهی خود پی می‌برد. کالون معتقد است؛ همه انسان‌ها ملهم به این اعتقاد راسخند که خدایی وجود دارد و حتی انسان‌هایی که بهره‌ای از تمدن ندارند، دائماً یک حسی از دین را در خود ابراز می‌کنند (رک: قربانی و احمدی، ۱۳۹۴).

دیدگاه‌های کالون در دین نوثر مصداق دارد و آنها حسی الوهی را در وجودشان احساس می‌کنند. «الیاده» (Eliade)، در یک تحقیق بر نمادگرایی آسمان به عنوان یکی دید مذهبی تأکید کرده است و اعتقاد به موجودات برتر آسمانی را در گذشته هسته مرکزی حیات مذهبی ادیان دانسته است (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۵۷-۶۷)... الیاده آسمان را نمایانگر استعلا، قدرت و قداست می‌داند و همان مشاهده طاق آسمان را برانگیزنده تجربه مذهبی در وجدان انسان ابتدایی می‌داند و می‌نویسد: مردمی‌ترین دعای جهان، دعایی است خطاب به آسمان، که از آن تعبیر به پدر می‌شود (همان، ص ۵۸-۵۷).

دیدگاه‌های الیاده در دین نوثر هم مصداق دارد. نوثرها اعتقاد به موجودات آسمانی را به عنوان خداوند یا روح آسمان، اساس مذهب خود قرار داده‌اند. این دین، دارای خدایی با بصیرت و دلسوز هستند که در شکل استعاره‌ای پدر بشر و حامی و دوست آن است.

مقالاتی هم توسط اوانس پریچارد، با عنوان نقش قربانی در قوم نوثر به چاپ رسیده و از محتوای آن، در این تحقیق استفاده شده است.

دین نوثر

سودان کشوری آفریقایی است که در مناطق بیابانی آن، مردمانی بدوی با نام آزند (Azand)، نوثر و... زندگی می‌کنند. این بدوی‌نشینان، به ظاهر دارای ادیان و اندیشه‌های ابتدایی هستند. یکی از این مناطق، با نام «نوثر» دارای مناسک و عقاید دینی خاصی است. یک دین‌شناس در نگاهی ظاهری، ممکن است با دیدن شکل ظاهری نوثرها، که در بیشتر اوقات از ارتباط با دیگران روی گردانند و دارای ظاهری قبیله‌ای و ساده هستند، بیان می‌کند که در این مناطق بدوی، صحبت از دین، فرهنگ، خدا و... بیهوده است، اما با مراجعه به عمق این نوع جوامع، به نتایج ارزشمندی خواهد رسید.

نوثر منطقه‌ای در کشور سودان است که در جنوب غربی خارطوم، پایتخت سودان جای دارد. از غرب و جنوب با قبیله دینکا (Dinka)، از شمال با قبیله شیلاک (Shilluk) و از شرق با قبیله آنواکس (anuax) همسایه است. نوثر، سرزمینی دارای دشت‌های هموار و بی‌درخت می‌باشد. بزرگ‌ترین بخش سیاسی نوثرها، قبیله است و هیچ بخش دیگری به اندازه قبیله در دین نوثر قدرتمند نیست. وظیفه قبیله، این است که برای دفاع از نوثرها، شورایی داشته باشد یا در مواقعی که خسارت و صدمه‌ای به نوثرها می‌رسد، این قبیله درصدد جبران آن برآید. یک قبیله به بخش‌هایی با نام قلمرو تقسیم می‌شود. یک قلمرو هم به بخش‌هایی به نام «دهکده» تقسیم می‌شود که شامل بخش‌های کوچک سیاسی در سرزمین نوثر هستند. نوثر، منطقه‌ای است مستطیلی شکل که در نقشه‌های قاره آفریقا ترسیم شده است. آنها بسیار به مردمان همسایه‌شان، یعنی دینکا شبیه هستند. این دو قبیله، جزء شاخه‌های وابسته به رود نیل هستند که بخش‌هایی از شرق آفریقا را به تصرف درآورده‌اند و در آن زندگی می‌کنند. در یک طبقه‌بندی، آنها در گروه‌های فرهنگی شرقی آفریقا جای می‌گیرند (پریچارد، ۱۹۴۰، ص ۷-۱).

نوثرها مردمی هستند که به شبانی مشغولند. تمایل دارند همه فرایندها و ارتباطات اجتماعی خود را در اصطلاح احشام و گله‌گاو تعریف کنند. در یک اصطلاح، هر جا که گله باشد، خانه نوثرها همانجاست و زندگی آنها بر ضرورت مهاجرت است (موهان، ۲۰۰۰، ص ۱۶۰).

نگرش آنها برای ارتباط با قبایل همسایه، براساس علاقه آنان به احشام و گله‌گاو تعیین می‌شود؛

یعنی یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های آنان، در ارتباط با دیگران به دست آوردن گله گاو است. اهمیت گله گاو و احشام در دین نوثر، آنقدر زیاد است که آنها همدیگر را با نام «احشام» صدا می‌زنند و حتی فرزندان کوچک هنگام بازی نام آنها را برای خود انتخاب می‌کنند (پریچارد، ۱۹۴۰، ص ۱۶-۲۱).

زمانی که یک پسر در حال مرد شدن است، پدر خانواده نیزه دفاعی و یک گاو به او می‌دهد. نیزه‌ها در مواقع نیایش‌های قربانی برافراشته می‌شوند و این نیزه‌ها به عنوان نمادی برای کل قبیله به پیشگاه خدا نشان داده می‌شود (پریچارد، ۱۹۵۶، ص ۲۳۸-۲۴۵).

اوانس پریچارد درباره آنها می‌نویسد: «نوثرها بدون شک بر طبق استانداردهای رایج ادیان، مردمانی ابتدائی به حساب می‌آیند. اما اندیشه‌های مذهبی و دینی آنها به قدری حساس، پالایش یافته و هوشمندانه است که دارای پیچیدگی‌های بسیاری است» (همان، ص ۳۱۱).

مفهوم خدا

مفهوم «خدا» در مذاهب سنتی آفریقا، مثل آیین نوثر، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به طوری که در این مذاهب سنتی، آن را وجودی ابدی و زندگی‌بخش می‌دانند که قائم به خود است و به هیچ چیزی وابسته نیست. قدرت وی، جهان را پایدار نگه داشته و همه چیز را حتی بدون یک وسیله مدرن ملاحظه می‌کند (اکوپارا، ۲۰۱۰، ص ۲۰۹-۲۱۰). خدا در آیین نوثر، به صورت اسم کووث (kwoth) یا روح، به معنای روح آسمانی ترجمه می‌شود. در معنای تحت‌اللفظی، این واژه برای برخی فعالیت‌ها نظیر دمیدن در خاکستری از آتش، دمیدن در غذا برای سرد کردن آن یا دمیدن در رحم گاو به کار می‌رود. اما وقتی که مردم نوثر از آن صحبت می‌کنند، به طور قطع آن را درباره روح آسمان یا همان کئووث استفاده می‌کنند. نوثرها، اغلب اوقات این خدا را عامل ریزش باران، نور، رعد و برق می‌دانند. از این رو، هر آنچه در آسمان است، با خدا پیوند دارد. آنها هیچ‌گاه خورشید را به عنوان خدا در نظر نمی‌گیرند، اما اگر کسی از آنها بپرسد که خورشید چه جایگاهی در مذهب شما دارد، آنها می‌گویند که متعلق به خداست؛ همانطور که ماه و ستاره هم به خدا تعلق دارند و آفریده وی هستند. درخشش خورشید از آن خداست و اوست که در باد می‌وزد. خدا نامرئی است، اما همه‌جا حاضر است، خدا در آسمان است، اما وجود وی در آسمان دلیل نمی‌شود که همزمان در زمین یا در هر مکان دیگر نباشد. خود مردم نوثر می‌گویند که خداوند همه جا حاضر است و باد و هوا را دوست می‌دارد. خدا خالق و جنبش‌دهنده هر چیزی است (پریچارد، ۱۹۵۶، ص ۵۱).

وجود خدا و حاضر بودن وی در هر مکان، به طور نمادین در دین نوثر به کار می‌رود. آنها در یک استعاره، حضور خدا را همچون باد و هوا می‌دانند؛ یعنی همان‌طور که ما باد و هوا را نمی‌بینیم، ولی وجود آن را حس می‌کنیم، خدا نیز در میان بندگان وجود دارد. اگر چه فاصله بین ملکوت آسمان، که همان جایگاه خداست، برای برقراری ارتباط با زمین فاصله بسیار زیاد است، اما می‌توان از طریق دعا، قربانی و یک نوع خاص از تماس، که از طریق پابندی به دستورات اخلاقی و اطاعت از وی است، با خدا ارتباط برقرار کرد. نوثرها غالباً خدا را در یک فاصله مکانی از زمین در نظر می‌گیرند و آن را به عنوان وجودی در بالا تلقی می‌کنند. آنها ممکن است ماه را خطاب کنند، اما این ماه نیست که مورد خطاب قرار می‌گیرد، بلکه خداست که مورد طلب واقع شده است. خدا همچنین پدر انسان‌هاست که حامی و دوست آنهاست. همان‌طور که شما راه می‌روید، در پیش شما حاضر است و راه می‌رود، وی دست انسان‌هاست و آنها را در مشکلات کمک می‌کند. نوثرها، در بیشتر اوقات خدا را به عنوان دوست خطاب می‌کنند. آنها برای خداوند شکل انسانی قائل نیستند؛ یعنی پیکر و اجزایی شبیه به انسان برای خدا فرض نمی‌کنند، اما معتقدند: خدا همه جا حاضر و نامرئی است. همه رویدادها را می‌بیند و می‌شنود، می‌تواند عصبانی شود، یا حتی عشق بورزد. ممکن است فردی کار خیری انجام دهد و پاداش آن را دریافت نکند و یا کسی کار بدی انجام دهد و به مجازاتش نرسد، اما وی در این حالت، دو گروه باید متظر عواقب کار خود باشند و بدانند که خدا عمل آنان را مشاهده می‌کند. به خاطر کار خیری که انجام شده، به شخص عمر طولانی خواهد داد و عواقب کار بد را هم نشان خواهد داد. مردی که در مسیر درست گام برمی‌دارد، هیچ‌گاه نهدی‌های خداوند را نمی‌شکند. اگر مردی تمایل دارد تا در مسیر حق باشد، وی باید در ابتدا با بندگان خدا روراست باشد. کسی که عمل بدی از روی عمد انجام دهد، به عنوان تخطی از قانون خداوند در نظر گرفته می‌شود، اما اگر کسی یک خطای بزرگ غیرعمدی انجام داد، اگرچه کار وی غلط فرض می‌شود، اما به عنوان تخطی از خدا در نظر گرفته نمی‌شود. خداوند ممکن است این عمل غیرعمد را ببخشد (همان، ص ۲-۱۰).

نوثرها معتقدند: وجود خدا در تمام سرزمین‌ها سایه افکنده است، به نحوی که وجود خدا در تمام سرزمین‌ها و ادیان یکی است؛ یعنی خدایی که در اسلام یا مسیحیت وجود دارد، با خدایی که در دین نوثر است، یکی است؛ یعنی جهان را یک خدا آفریده و به تدبیر آن مشغول است. مهم‌ترین مسئله اختلاف نام‌های خداوند در ادیان است. برای نمونه، در یک دین، آن را با یک نام و در دینی دیگر به نام دیگری مورد خطاب قرار می‌دهند، مثل نام یک شیء، که در سرزمین‌های مختلف به اسم‌های گوناگون

خدا به مثابه توتم

ظرفیت انسان برای پذیرش باورداشت‌ها تقریباً نامحدود است. همین ظرفیت محدود، گوناگونی و شگفتی‌هاست که توجه و کنجکاوی بسیاری از نویسندگان از جمله جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و غیره را در مطالعه ادیان به خود جلب کرد (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۹). به همین دلیل، *اونس پریچارد* معتقد است: یک انسان‌شناس، جامعه‌شناس و یا هر شخص دیگری که به مطالعه ادیان می‌پردازد، باید درک صحیح و ثابت از مفهوم «خدا» در تحقیقات خود داشته باشد. وی پیشنهاد می‌کند که همه محققان باید از یک کلمه بومی ثابت مثل نهیل (Nihil) (کلمه‌ای شبیه به یهوه در دین یهود برای نامیدن خدا) در تحقیقات خود درباره تعریف خدا استفاده کنند تا در درک این موضوع دچار کج‌فهمی و اشتباه نشوند (پریچارد، ۱۹۶۵، ص ۷). برای نمونه، یکی از موارد مهم درباره نوثر، که باید به آن اشاره کرد، توتم نوثر است. آنان به گونه‌های طبیعی احترام می‌گذارند. درختان، حیواناتی مثل مار و تمساح مورد احترام آنان هستند. یک مشاهده‌گر ممکن است به راحتی پس از پرسش و صحبت کردن با یک نفر از قبیله نوثر، دچار کج‌اندیشی شود که مردم نوثر این گونه‌ها را به عنوان خدایشان پرستش می‌کنند. درحالی‌که باید به او گفت که این توتم‌ها خدا نیست، بلکه مردم نوثر فقط آنها را دارای روح‌ها در زمین می‌دانند. به همین دلیل، به آن احترام می‌گذارند و به آن قداست می‌بخشند. این مسئله هیچ ربطی به پرستش این گونه‌ها ندارد (پریچارد، ۱۹۵۶، ص ۷۷).

بخشنده گناهان

نوثرها نسبت به حوادث حساس هستند. آنان علت بسیاری از مشکلات را در خودشان می‌بینند. برای دوری از خشم خدا و بخشش گناهان خود، مبادرت به اقداماتی نظیر قربانی می‌کنند. یک نوع قربانی، که در دین نوثر انجام می‌شود، قربانی برای کفاره گناهان است، هدف اصلی آن، دلجویی و استمالت از خداوند در برابر گناهان از طریق ذبح یک گاو است. در واقع این حیوان، به جای یک انسان قربانی می‌شود؛ یعنی آنها به جای قربانی کردن خودشان، از ایده جایگزینی استفاده می‌کنند. این قربانی‌ها، در مواقع خطر مثل شیوع بیماری انجام می‌گیرد و شامل مراحلی مثل وقف، تقدیس و نیایش قبل از اجرای مراسم است. در این مراسم، خاکستری را با دست راست، بر پشت گاو نر می‌گذارند که علامت قربانی است؛ بعضی اوقات ارزش قربانی را بر اساس گناهی که شخص انجام داده است، تعیین می‌کنند. در مواردی مثل گناهان بزرگ، یا بیماری‌ها تمایل دارند تا گاو نر را قربانی کنند. اما در موارد جزئی‌تر، گوسفند یا یک میوه خیار شکل را، که دارای ارزش کمتری است، قربانی می‌کنند. خداوند همه اینها را

مورد خطاب قرار می‌گیرد، اما در اصل یکی است. نگرش نوثرها در این مسئله تمایل یکتاپرستی را در اندیشه‌های مذهبی آنان نشان می‌دهد و به صراحت می‌گویند که ما دارای چند نام برای خداوند هستیم، اما دارای چند خدا نیستیم، خدا یکی است (همان، ص ۵۰-۴۸).

صفات خدا

خدا به مثابه روح

روح به عنوان خالق، داور، پدر در نظر گرفته می‌شود و دارای یک نوع همنوایی، با خدا می‌باشد، اگرچه نمی‌توان آن را خدا نامید. روح‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند. ارواح هوا و ارواح در پایین. ارواح هوا، قدرتمندتر از سایر روح‌ها هستند؛ زیرا نزدیک‌ترین روح‌ها به خدا هستند و به نوعی واسطه بین عرش ملکوت و زمین هستند که با ابرها پیوند داده شده‌اند و به آسمان نزدیک‌اند. در یک استعاره، خدا، پدر ارواح و روح‌ها فرزندان او هستند. این روح‌ها، ممکن است به فرشته، خدایان کوچک، روح‌های پلید و... تفسیر شوند. نوثرها معتقدند که آنها در گذشته صاحب یک روح (خدا) بوده‌اند و تنها خدای آسمان را می‌پرستیدند تا اینکه دو روح به کشورهای همسایه آنها هبوط کردند و از طریق همسایگان‌شان، آنها با این دو روح آشنا شده‌اند. این روح‌ها، شروع به هبوط از آسمان به سمت زمین کردند. بعضی از این روح‌ها، دارای منشأ پلیدی بودند که موجب بسیاری از بیماری‌ها شدند (همان، ص ۲۷-۲۹).

خدا به مثابه مشیت

نوثرها خود را کاملاً تابع مشیت الهی می‌دانند و در برابر امر پروردگار تسلیم هستند. آنها بداقبالی را با نهایت تسلیم می‌پذیرند و اعلام می‌کنند که باید تابع و مطیع محض امر خداوند باشند. این بداقبالی‌ها را خواسته و اراده خدا که همان مشیت الهی است، می‌دانند. آنها هیچ‌گاه از بداقبالی و رنج شکایت نمی‌کنند، بلکه اعلام می‌کنند شخصی که دچار مصیبت شده، نباید اشک بریزد؛ زیرا مشیت خداست (همان، ص ۱۲-۱۳).

عرش ملکوت

به یقین باید گفت: نوثری‌ها آسمان و یا هر نوع پدیده آسمانی را به عنوان خدا در نظر نمی‌گیرند. باید یک تمایز آشکار بین آسمان و پدیده‌های آسمانی با روحی، که در آسمان است، قائل شد؛ یعنی جایگاه خدا در عرش ملکوت است که از آن تعبیر به «ملکوت آسمان» می‌شود (همان، ص ۵۱).

نوایی غالب در نیایش‌ها شنیده می‌شود و آن این است که زمین متعلق به توسست؛ همان‌طور که جهان برای توسست (همان، ص ۱۰۱).

خالقیت

در تلقی مفهوم «خدا» در دین نوثر، وی همچنین روح خلاق و آفریننده است و توضیح همه چیز درباره منشأ خلقت به وی ربط پیدا می‌کند. دریا، ماهی، زمین، پرند، جانوران وحشی و غیره، به وسیله خدا ساخته شده است. خدا خالق سنت‌ها و آداب و رسوم در نظر گرفته می‌شود. مردم نوثر احشام و گله گاو را جمع می‌کنند. زراعت و از نیزه ماهیگیری استفاده می‌کنند و اعلام می‌کنند که خداوند این وسایل را در اختیارشان قرار داده است تا به وسیله آن، امرار معاش کنند. فراتر از هر چیزی، خداوند به عنوان عطاکننده و نگه‌دارنده زندگی در نظر گرفته می‌شود. مرگ همه به دست اوست. خواه یک مرد به وسیله نیزه یا جانور وحشی یا بیماری بمیرد، اینها همه ابزار خداوند است (همان، ص ۸۵).

کارکرد خدا

یکی از کارکردهای مهم خدا در این دین، مفهوم انسان‌انگاری برای خداست که گاهی موجب می‌شود صفات بشری مثل پدر انسان، دست انسان، خشمناک، راضی از انسان و... به او نسبت داده شود. این صفات، با عدم جسمانیت خدا در این دین متناقض است. در واقع، خدایی که بر عرش ملکوت سایه افکنده، این قدر به نوع انسان نزدیک شده و از مقامش پایین آمده که او را با دستانش یاری می‌کند. این یکی از مفاهیم پیچیده در بررسی کارکرد خدا در این دین است. در بررسی این کارکرد، یک ضرب‌المثل رایج آفریقایی می‌گوید: «در آفریقا هیچ کس به یک نوزاد متولد شده، وجود متعالی خدا را نشان نمی‌دهد؛ به این معنا که وجود متعالی خداوند برای همه حتی بچه‌ها شناخته شده است (اکوپارا، ۲۰۱۰، ص ۲۱۰-۲۱۲).

گاهی اوقات، در آفریقا و مذاهبی مثل نوثر، صحبت از موجوداتی است که واسطه و مأمور خداوند هستند. این موجودات را که خودشان، آنها را «الهگان» می‌نامند، دارای مقامی شبیه به فرشتگان در ادیان بزرگ هستند. وجود متعالی (خدا)، دارای نمایندگان بسیاری است که به وی خدمت می‌کنند، به طوری که او امرش را بدون کم و کاست انجام می‌دهند. آنها دارای قدرت یا وجود مطلق نیستند، بلکه دارای وجودی ثابت و مجرد هستند. دلیل آن این است که زندگی و جان آنها وابسته به قدرت متعالی خداوند است (همان، ص ۲۱۸).

می‌پذیرد؛ چون هر شخص بر طبق شرایطی که دارد، قربانی می‌کند. آنها در قربانی دعا می‌کنند که از شر شیطان نجات یابند. انسان از طریق قربانی به خدا نزدیک می‌شود و از او تقاضای کمک می‌کند. این بشر است که از قربانی سود می‌برد، نه خدا؛ زیرا خداوند به قربانی بشر نیازی ندارد (همان، ص ۲۷۲-۲۸۳).

حقانیت خدا

نوثرها در همه موارد، خدا را صاحب حق می‌دانند و هر گونه شکوه، زاری و ناسپاسی در نظر آنان بی‌توجهی به این حقانیت است. برای نمونه، زمانی که یک بچه می‌میرد، زنان فقط برای یک لحظه گریه‌زاری می‌کنند و مردان ساکت هستند. آنها می‌گویند که خدا او را از آنها گرفته و نباید گریه‌زاری کنند. بهتر است آنان راضی باشند؛ زیرا خدا همیشه در موضع حق و دلسوز است (همان، ص ۱۸۱۲).

شنوای درخواست‌ها

مردم نوثر دارای نیایش‌هایی با خداوند هستند. این نیایش‌ها، بیشتر به صورت جمعی و در مراسم اجرا می‌شود. اما آنان در خلوت نیز این مراسم را اجرا می‌کنند، هر چند به طور قطع، روز مشخصی برای اجرای دعا و نیایش ندارند؛ در هر زمان و مکانی ممکن است به دعا و نیایش مشغول شوند. آنها در نیایش دعا می‌کنند که خداوند آنان را از شر شیطان و بیماری نجات دهد. آنان بیماری و شر را نتیجه اشتباه و گناه خود می‌دانند که در برابر مردم و خداوند روراست نبوده‌اند. این دو اصل، یعنی در راه راست بودن با خداوند و تعامل صادقانه با مردم، اساس مذهب نوثر را تشکیل می‌دهد. نوثرها به روشنی تصریح می‌کنند که بداقبالی و مصیبت برای یکی از اعضای قبیله، بداقبالی برای کل اعضای قبیله است و معتقدند: زمانی که یک نفر دچار رنج می‌شود، همه دچار رنج و اندوه شده‌اند و زمانی که هریک در آرامش و راحتی باشند، همه اعضای قبیله هم باید در آرامش باشند، این احساس از یکی بودن، اغلب در دعاها و ذکرها دیده می‌شود. دعا و نیایش‌ها، با گفتن این جمله آغاز می‌شود: «خدایا به ما اجازه ده که راحت بخوابیم» منظور این دعا این است که خدایا اجازه بده تا در صلح و راحتی زندگی کنیم (همان، ص ۲۲-۲۷).

نوثرها بیرون از مراسم و آیین‌های رسمی، ذکرهای مختصرتری هم با خدای خود دارند که در نجوا می‌گویند خدا حاضر است. این دعا اغلب اوقات زمانی روی می‌دهد که با مشکلات سختی روبه‌رو می‌شوند و برای غلبه بر آن شروع به خواندن این دعا می‌کنند. در اینجا فقط منظور از دعا این نیست که خدا همین‌جاست؛ بلکه منظور این است که خداوند در جایگاهی است که قدرت عمل دارد. در برخی از نیایش‌ها، خدا به عنوان روح جهان، با احساسی که خالق جهان است در نظر گرفته می‌شود. یک هم

یکی دیگر از کارکردهای خدا، ارتباط متقابل خدا و بندگان است. در واقع، خدای نوثر خدایی اخلاقی است که دوست دارد بندگان، احکام و اوامرش را اطاعت کنند. وجود این قوانین و احکام، که بیشتر اوقات ماهیتی دینی به خود می‌گیرد، موجب پویایی اخلاقی در شیوه زندگی نوثرها شده است، به نحوی که این قوانین قادر است زندگی فردی و گروهی نوثرها را دگرگون سازد. بی‌اعتنایی به این قوانین، دیگر موضوعی شخصی نیست، بلکه به جامعه و زندگی گروهی آنان مرتبط است. در واقع، هرگونه بی‌اعتنایی به قوانین اخلاقی و دینی، تخطی از قانون خداست.

درک صادقانه فرد از فقدان شایستگی خود در مقابل خداوند برای نوثرها، عاملی بازدارنده است که موجب پایین آمدن شأن و تواضع آنها در نزد خدا می‌شود. در واقع خداترسی در این آیین، نخستین گام برای کسب معرفت دینی است، به نحوی که وجود این خدای حاکم و قهار، موجب نوعی ترس و در نتیجه، رعایت اخلاقیات می‌شود. این خدای مقتدر، خدایی اخلاقی است که با مفاهیم دینی و اخلاقی این آیین گره خورده است و بیانگر آیینی اخلاقی از این دین است. یکی از یافته‌های اصلی این پژوهش، این است که این دین در عصر حاضر، وارث ادیان ناب الهی مثل اسلام یا مسیحیت است که ممکن است بنا به دلایلی مثل جنگ‌ها، شرایط محیطی، استعمار و... تغییر ماهیت داده باشد. گرچه به دلیل سادگی این دین، به سختی می‌توان منشأ مشخصی برای آن پیدا کرد، ولی فرضیه‌های مختلفی قابل طرح است. پیش از هرچیز، نمی‌توان یک منشأ فردی برای این دین قائل شد؛ زیرا خود این دین بر یک اجتماع و وحدت گروهی در رفتارهای دینی و اخلاقی تأکید می‌کند، به گونه‌ای که یک پیشامد و مشکل کوچک برای یک شخص، مشکلی برای همه گروه در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه باید به دنبال منشأ اجتماعی برای آن بود. در بُعد اجتماعی، این دین قادر است با نیازهای اجتماعی جامعه پیوند داشته باشد و یک گروه را به شکلی منسجم به هم پیوند دهد، به نحوی جست‌وجوی منشأ اجتماعی برای آیین نوثر، گرچه می‌تواند تا حدی درست باشد، اما همین منشأ نیز وابسته به امور اخلاقی و رعایت دستورات خداوند است.

فرضیه دیگر داشتن منشأ اخلاقی برای این دین است که به نظر می‌رسد، کامل‌ترین فرضیه باشد؛ زیرا این آیین پیش از هر چیز، دارای مفاهیم اخلاقی و دینی است، به طوری که بنای این دین بر راستی است و اخلاقیات، سهم مهمی را در این جامعه و زندگی خانوادگی آنان ایفا می‌کند. با توجه به مفاهیم اعتقادی قابل توجه، که در این آیین وجود دارد، می‌توان یک منشأ جدید و تعریف نشده برای آن جست‌وجو کرد. در این فرض جدید، این آیین می‌تواند وارث دین‌های الهی مانند اسلام و مسیحیت

باشد؛ یعنی ممکن است نوثرها، به دلیل ارتباط با سودانی‌ها بسیاری از مفاهیم الهیاتی مسلمانان را دریافت و آن را در زندگی گروهی خود به کار برده باشند؛ این همان فرضیه‌ای است که پریچارد آن را نادیده گرفته است.

نقد و ارزیابی

از مجموع آنچه گذشت، به این نتیجه می‌رسیم که مفهوم «خدا» در آیین نوثر، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به‌طور کلی، در ادیان سنتی آفریقا و آیین‌هایی مثل نوثر، شناخت خدا وجود دارد. اطلاعاتی که از آنها به دست آمده، آمیخته با خرافات نیست. نظر اندیشمندانی را که به طور مطلق این ادیان را به عنوان دینی غیرمکمل در نظر می‌گیرند، نمی‌توان پذیرفت. برای مثال، در دین نوثر آداب و شعائری هست که در ادیان بزرگ نیز وجود دارد. ایده قربانی در دین نوثر شبیه به اسلام است. الهیات نوثر، شبیه به الهیات مسیحی است. حس وجود خدا و بیان اینکه خدا همه‌جا حاضر است و محافظ و خالق بندگان است، در بیشتر ادیان بزرگ وجود دارد. وجود موجودات مجردی که عامل خداوند و مطیع محض وی هستند، شخص را به یاد فرشتگان، در ادیان بزرگ می‌اندازد. نیایش و استغاثه‌های دسته‌جمعی که در دین نوثر وجود دارد، شبیه به نیایش‌های جمعی بزرگ در ادیان تکامل است. خدا را به عنوان پدر نامیدن، شبیه به آیین یهود و مسیحیت است. پابندی به مشیت الهی و اینکه خود را به طور کامل به خدا می‌سپارند و به هنگام مصیبت، به هیچ وجه جزع و شکایتی نمی‌کنند، انسان را به یاد عرفای راستین می‌اندازد. همه اینها اثبات می‌کند که نوثرها به وجود خدا اعتقاد دارند. زندگی آنها با مفهوم خدا ارتباط تنگاتنگی دارد. این سطحی‌نگری است که بدون مطالعه و بررسی، اندیشه‌های ادیان را خرافی فرض کرد. یکی از نقدهایی را که می‌توان به نوثرها کرد، این است که آنها دارای مفاهیم رمزی هستند. این گونه مفاهیم، یک محقق سطحی‌نگر را به اشتباه می‌اندازد که آیا در این جامعه، اثری از دین و خدا وجود دارد، یا نه؟ در نتیجه، دین‌شناسان، آنها را طبیعت‌پرست فرض می‌کنند. نقد دیگر اینکه نوثرها به راحتی رابطه بین ارواح و خداوند را روشن نمی‌کنند و جایگاه ارواح در دینشان، به راحتی قابل تمییز نیست؛ یعنی مشخص نیست که آیا این ارواح منبع خیر هستند، یا منبع شر؟! آیا وجودی مستقل از کثوث دارند، یا جزیی از خود کثوث هستند؟! متأسفانه همین نکته، اندیشه‌های ثنویت و تثلیث را در این دین تقویت می‌کند.

نقد دیگر، مشخص نبودن رابطه تنزیهی و تشبیهی خدا با بشر، در بین آنهاست. در واقع، ارتباط وی با بشر هم یک ارتباط انسان‌وارانه و هم یک رابطه تنزیه‌انگانه است؛ یعنی خدا در مقام تنزیه، شبیه به هیچ

بشری نیست و در مقام تشبیه، پدر انسان‌هاست که دست آنها را می‌گیرد و در سختی‌ها به آنها یاری می‌رساند. یکی دیگر از نقدهای وارد بر الهیات نوثر، محسوس نبودن رابطه شخصی بین خدا و تک تک بندگان در این دین است. برای نمونه، خطا و لغزش یک شخص، گناهی برای کل قبیله در نظر گرفته می‌شود، همه خود را در این لغزش شریک می‌دانند؛ زیرا معتقدند: همه در این گناه سهیمند. ممکن است همه قبیله مورد خشم خدا قرار گیرند. با این اوصاف، کثوث تبدیل به خدایی ظالم می‌شود. گویی در صدد مجازات همه بندگان حتی بی‌گناهان است. درک و پذیرش این مسئله از سوی نوثرها، موجب زیر سؤال رفتن عدالت خدا در این دین می‌شود. متأسفانه به دلیل درک همین نکته، نوثرها خود را دائماً مقصر می‌دانند و روحیه گناه دائمی بشر در برابر خدای خالق، که عقیده‌ای مسیحی است، در این دین جلوه بیشتری پیدا کرده است.

نوثرها و غالب ادیان آفریقایی، فاقد یک جنبه استدلالی در شناخت خدا هستند. برای نمونه، اگر از نوثرها پرسیده شود که خدا کجاست؟ آنها پاسخ می‌دهند: خدا همین جاست. آنجاست. هر جاست؛ در آسمان و زمین است و... این‌گونه استدلال‌ها، کار یک محقق را سخت می‌کند. در واقع، یکی از شاهکارهای پریچارد، همین است که با سعه صدر و دیدی عمیق، ضمن کشف مفهوم خدا در این دین، به تمایز اساسی آن از سایر پدیده‌های طبیعی، مانند باد، هوا، ارواح و... پرداخته است.

از ایرادات دیگر نوثرها، ترس بیش از حد آنان از خدای دلسوز است که نوعی پارادوکس را در الهیات این دین ایجاد می‌کند. در واقع، نوثرها به این مرتبه از درک و فهم نرسیده‌اند که به خدا عشق بورزند و او را به خاطر خودش دوست داشته باشند، همین نکته، ممکن است بسیاری از پژوهشگران دینی را وا دارد تا بیان کنند که ریشه الهیات در این دین، ترس است و مفهوم «خدا» به شکل متکامل آن، در این آیین وجود ندارد. در این مورد، پریچارد سعی دارد عمیقاً بیان کند که مفهوم خدا در این دین، طبیعت پرستی یا ترس از پدیده‌های طبیعی نیست، بلکه خدا در فطرت نوثرها جای گرفته است. نقد دیگر اینکه الهیات نوثر فاقد یک نظریه نجات‌شناسی و روحانی است. تنها نکته روشن در بحث نجات، این است که مرگ شتافتن به سوی خداست و صحبت از مجازات، تنبیه پاداش و... در جهان دیگر و این جهان، امری مبهم است.

یکی از نکات مثبت نوثرها، اعتقاد به خدا باوری قلبی است. از دیدگاه آنان، خدا در همه جاست و در هر لحظه به امور بندگان رسیدگی می‌کند. باور به همین نکته، خدای دوردست آسمان را به خدایی نزدیک تبدیل می‌کند و موجب تقویت حس خداشناسی فطری در این دین

می‌شود. قرار دادن راه راستی و تعامل صادقانه با دیگران، که به نوعی تعامل با خداست، از ویژگی‌های بارز و اخلاقی نوثرهاست.

اعتقاد به خدای واحد در ادیان، یکی از متکامل‌ترین عقاید نوثرهاست که گرچه ممکن است با دیدی ساده‌انگارانه به آن رسیده باشند، ولی این امر گستره ذهن، پیچیدگی و هوشمندی آنان است. به همین دلیل، پریچارد درباره آنها می‌گوید: نوثرها بی‌شک بر طبق استانداردهای رایج ادیان، مردمانی ابتدایی به حساب می‌آیند. اما اندیشه‌های مذهبی و دینی آنها، به قدری حساس، پالایش یافته و هوشمندانه است که دارای پیچیدگی‌های بسیاری است. علی‌رغم نظریاتی که درباره ساده بودن ادیان ابتدایی برای مطالعه دینی داده شده است، مطالعه دین و الهیات نوثر توسط پریچارد، ثابت می‌کند که این دین دارای این مشخصه نیست و می‌تواند پا به پای یک دین متکامل، مفاهیم خداشناسی را در خود جلوه‌گر سازد.

از نکات مهمی که باید درباره این دین گفته شود، تأثیرپذیری آن از اسلام و مسیحیت است، برای نمونه، حس تسلیم و روحیه ایمان به خدا، که در این دین وجود دارد، برگرفته از عقاید دین مبین اسلام است که در کشور سودان، به عنوان یک کشور اسلامی رواج دارد. به نظر می‌رسد، پریچارد به عنوان یک مسیحی، تا حد امکان به دنبال تفسیری مسیح‌وارانه از الهیات این دین بوده و متأسفانه در هیچ جایی از اثر خود، نامی از تأثیرگذاری دین اسلام بر این آیین نیاورده است. برای مثال، پریچارد خدای نوثر را خدایی با محبت، دلسوز و مهربان جلوه داده و تا حد امکان، به تشریح مجازات گناه و کیفر اعمال توسط خدا نپرداخته است، با درک این موضوع، می‌توان گفت: وی در صدد بوده با تشریح جنبه محبت و رحمت خدا و تا حد امکان، کم جلوه دادن صفاتی مانند جباریت و مجازات، الهیات نوثر را شبیه به الهیات مسیحی نشان دهد. در نمونه‌ای دیگر، وی با بسط مفهوم تثلیث در الهیات این دین، سعی می‌کند مفاهیمی مانند عرش ملکوت، ارواح بالا (فرشتگان) و ارواح هبوطی را به مسئله تثلیث نزدیک سازد تا از این طریق، بن‌مایه‌های مسیحی برای این دین قائل گردد. در مجموع اوانس پریچارد، با رویکرد متعادل و مثبتی که نسبت به دین گرفته در خور ستایش است. تحقیقات وی در دین نوثر، بازتابی از وجهه استقلال دین و تأثیرگذاری آن حتی بر جوامع ابتدایی را نشان می‌دهد.

منابع

الیاده، میرچا، ۱۳۷۲، رساله تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، صدا و سیما.
پالس، دانیل، ۱۳۸۹، هفت نظریه در باب دین، ترجمه محمدعزیز بختیاری، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی
امام خمینی علیه السلام

قربانی، علی و احمد احمدی، ۱۳۹۴، «بررسی دیدگاه جان کالون درباره حس الوهی»، انسان پژوهی دینی، ش ۳۴، ص
۲۶۵.

همیلتون، ملکم، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، چ چهارم، تهران، بی‌نا.

Ekeke, R.E.C, Ekeopara, ch., 2010 "God , Divinities and Spirits in African Traditional Religious
Ontology, *American journal of social and management sciences*, 1(2), p.209-218.

Douglas, M., 1980, *Edward Evans- Pritchard*, New York, Library of Congress Cataloging in
Publication Data, Volume VII.

Geertz, C., 1973 *interpretation of cultures*, New York, Library of Congress Catalog Card
Number.

Mohan, D., 2000, "Evans-Pritchard and segmentary structures amongst the Nuer", *Mankind
Quarterly*, 41(2), p.157-173.

Pritchard, E., 1940, *A description of the modes of live hood and political institution of a Nilotic people*,
London, Oxford Clarendon press.

Pritchard, E, 1956 *Nuer religion*, London, Oxford Clarendon press,

Pritchard, E, 1962 *Social anthropology*, London, Cohen & West Ltd.

Pritchard, E.&, Raymond, F.& Leach, E.R. 1954, *The institution of primitive society*, Oxford,
Blackwell.

Pritchard, E, 1953, "The sacrificial role of cattle among the Nuer", *Journal of the international
African institute*, 23(3), p.181-198.

Pritchard, E., 1965, *Theories of primitive religion*, London, Oxford Clarendon Press.

Pritchard, E, Gillies, E., 1976 , *Witch craft Oracles and Magic among the Azand*, London, Oxford
Clarendon press.

